

اسناد منحصر به فرد منتشر نشده درباره دارالشورای کبری (مجلس دربار اعظم)

(۳)

آخرین بخش

سند شماره ۱۰

دستور العمل شاه به خط آجودان مخصوص

مهر ناصرالدین شاه

امین السلطنه در باب حساب غله و جیره افواج که باید در دربار اعظم رسیدگی شود شما محصل و مأمور هستید که اصحاب و اجزای این حساب را بهر طوریکه جناب آقا دستور العمل بدهند و بخواهند در مجلس حاضر نمائید که حساب انشاءالله تا روز پنج شنبه باطلاع جناب آقا و حضور جمع وزرا تمام بشود. از هیچ یک از وزرا و کسانی که باید در این حساب حاضر باشند عذر قبول نکنید حکماً و حتماً همه را در مجلس حاضر کرده مشغول انجام و اتمام این حساب بشوید و پس از اتمام حساب تفصیل را بعرض برسانید. اگر وزرا و غیره در امورات مرجوعه و آمدن در مجلس کوتاهی و مسامحه نمایند مورد مواخذه خواهند گردید و یک قراری هم در نظم جیره مالیه قشونی بدهند که حساب آن همیشه واضح و درهم نباشد و مثل این حساب اسباب زحمت و مرارت خاطر مبارک نگردد. زیاده فرمایش نیست

سند شماره ۱۱

این گزارش (روزنامه) توسط مأمور ناصرالدین شاه در بازدید
استرآباد که در موقع حساسی قرار داشت از حکومت (حاکم) و

اوضاع کارکنان (دیوان) کشوری و (قشون) لشگری تهیه شده است

اطلاعات غلام جان نثار

در باب عمل قشون آنچه بر خانه زاد معلوم شد، امسال سه سال است که از بابت مواجب دیناری بنوکر نرسیده و سهل است محلی که بنوکر استرآبادی داده شده منابع خطیر تعارف و پیشکش از بابت محل از سرکردگان دریافت مینمایند من جمله این روزها که جان نثار در آنجا بود محمد باقرخان لیوانی کردم محله در منزل جان نثار بود دیدم تمسکی مینویسد از پشت نگاه کردم دیدم سیصد تومان تمسک پیشکش است سؤال نمودم مواجبی که بر شما داده میشود این است خندید گفت چه کنم جز این چاره نیست از خارج هم تحقیق کرده که صحیح بوده است

نوکر استرآبادی را اگر از روی تحقیق سان دیده شود بدیوانیان معلوم خواهد شد که ثلث نوکر در کار نیست و طومار مواجب هم از نوکر در دست ندارند

اختشاش [اغتشاش] و دله دزدی جماعت ترکمان همه اوقات در میان هست من جمله شبی وارد شهر شده دیوار اصطبل توپخانه مبارکه را شکافته چهار رأس از اسبان توپخانه برده اند و شب دیگر نیز بصدای تفنگ چند نفر از اهل استرآبادی و چند نفر هم از جماعت قاجار که هر یک در خانهٔ مهمان بوده و بخانهای خودشان میرفتند در توی محله وارد یکدیگر میشوند بخيال اینکه ترکمان هستند بنای تیراندازی میگذارند یکنفر از قاجار بضر بگلوله می میرد و یک نفر دیگر از اهل استرآباد زحمدار میشود که مشرف بموت است

اهل استرآباد هم منتهای شکوه و شکایت را از صاحب اختیار دارند لکن از ترس اولیای دولت ابد مدت قاهره نمی توانند صدا بیرون بیاورند و اظهار عرض حال خود را عریضه نمایند چنانچه تحقیق حالی شود معلوم و آشکار خواهد شد

اطلاعاتی است که غلام پیشخدمت مأمور استرآباد عرض کرده است. هفتصد و سی تومان که باسم سواره و پیاده استرآبادی نوشته اند یکتومان از آن تنخواه را بکسی نداده اند و خود صاحب اختیار اخذ نموده است

دستخط ناصرالدین شاه در بالای گزارش

این روزنامه را باطلاع وزراء برسان به بین چه میگویند

توضیح:

تَسْک: سند.

خانزاد نموده از نظر مبارک بگذرد امر امر اقدس هما یونست

دستخط ناصرالدین شاه در بالای عریضه

اگر کارواجبی دارند حاضر شوند بهتر است چرا که کارها هرچه زودتر بگذرد بهتر است

توضیح:

ناصرالملک: محمود خان ناصرالملک قره گوزلو = فرمانفرما = در این تاریخ عضو شورای نظامی وزارت

عسکریه بوده است.



آورد این که نصیرت کیرجیب خبر حکم طومر

نوشته شریف مرز و ملام در تاریخ ۱۲۸۸

عریضه تا لغو نرسد بطریق مذکور ۱۲۸۸

سند شماره ۱۳

قربان خاکپای حواهر آسای مبارکت گردم خدمات آبای فدوی در پایه سریر
خلافت مسیر اقدس ظاهر است

عریضه خانه زاد میرزا محمد پسر مرحوم قائم مقام

فدوی خودم بقدر قوه هنگام تهیه عساگر منصوره و روانه داشتن آن از آذربایجان خدمتی کرده ام که اگر معروض آستان مقدس نشده باشد خود میدانم و خدا در مقدمه قائم مقام اموال قابله فدوی ضبط دیوان همایون اعلی شد با اینکه اینچنین رسمی درین دولت جاوید شوکت نبود و برخی از آن از قبیل مرقعات خط میر و کتب نفیسه و غیره نیز بحضور مهر ظهور همایونی آمده برای فدوی اصلاً چیزی باقی نمانده شاهنشاه مبرور طاب الله ثراه بعضی دهات اربابی بموجب فرمانی که الآن حاضر است و بنظر مهر اثر خسروانه میرساند بفدوی مرحمت نمودند که این جان نثار که چاکر موروثی از مرحوم نایب السلطنه طیب الله تربته بوده آسوده در خانه خود گذران نماید و مرخص خانه فرمودند تا اینکه میرزا تقی خان امیر نظام به منصب پیشکاری کل نائل شد اهل هزاوه که میرزا تقی خان هم از آنها بود خانه و باغات و طوابعین فدوی را خراب کرده و غارت نموده زیاده از پنجاه شصت هزار کروم و اشجار را قطع نموده خانواده هفتصد ساله که همیشه سلاطین سلف در قرون ماضیه و ازمنه سابقه رعایت حال ایشان را مینمودند خراب و ناچیز بلکه هباء منثورا کردند مردم دیگر هم چون دیدند اینطور است و بنده فدوی از خانه اصلی اخراج شدم، هر کس املاکی را باندازه قوت و قدرت خود ضبط نموده مالک شد، اخوان هم چون بدار الخلافة باهره آمده بودند هر یک از دهاتی را که متضمن منفعتی بود از قبیل ساروق و دهات معتبره دیگر که شایسته سکونت بود با بعض مزارع بلاجمیع دیگر مثل جیریا و غیره که بعض املاک مکتسبی فدوی هم جزء آنها بود تیول خود نمودند بعض املاک که جمعهای سنگین داشت و جمعی نیز حق ملکیت در آن داشتند و کسی رغبت بتصاحب کردن آنها نمی نمود و چندان معارض داشت که کسی را یارای تمالک آنها نبود اخوی میرزا علی محل وظیفه فدوی قرار داد و فدوی از اول دولت جاوید شوکت الی الآن با مالک و متداعی [؟] در مقام صلح و بیع آنها برآمد تا یکنوع خود را در آنجا آسوده بدارد آقا میرزا سید احمد که بحکومت عراق آمد مجدداً املاک و اموال و خانه فدوی منسوب و بدست او مخروب شد و هزار و چهارصد و بیست تومان تعدی او بفدوی در حضور جناب مشیرالدوله و سایر اولیای دولت علیه ثابت شده سند رسیدگی بفدوی دادند و نواب معتمدالدوله که هنگام تشریف فرمائی موکب اقدس بفرنگستان در اینجا بودند مقرر بود که ایشان تنخواه مزبور از آقا میر سید احمد دریافت و

فدوی برسانند ولی چیزی بظهور نرسید دیگری هم که احقاق حق فدوی را نمایند نیست مگر امر ملوکانه این وجه را ازو مسترد سازد. بالجمله الآن یکسال ونیم است که برای رفع نهب و غارت اموال و قتل غلام زاده و امید رجوع خدمتی رو بدربار معدلت آثار شاهانه آورده ولی از آستانه علیه عنایتی ظاهر نشده از جاهای دیگر شکایت میرسد فدوی که از اموال میرزا بزرگ قایم مقام و والد خود قایم مقام ثانی که حق ارث دارد چیزی نبرده که قابل کشمکش باشد آنچه هم خود بچنگ آورده و اگذار بدیوان اعلی می نماید که آسوده بتکدی یا هر طور که باشد گذران نماید ولی اگر باجابت مقرون شود سه فقره عرض و استدعا دارد یکی آنکه فدوی را چون بمواعید مرحمت باستان سلطنت خواستند که بخدمتی و مأموریتی مفتخر دارند استدعا آنکه هر قسم مأموریتی لایق بحال جان نثار باشد مقرر دارند که اسباب گذران و معاش فدوی شود زیرا که نه گذران دارالخلافة دارد و نه معاش خانه خود فقره دیگر زیاده از دوازده چهارده نفر غلام زاده از فدوی همه بی شغل و گذران مانده مستدعی است که یا این غلام زاده ها را برعایت شغل و مأموریتی از بنده دور فرمایند که فدوی آسوده شود و آنها هم در مأموریت بسبب اشتغال از خیالات فاسده فارغ شوند یا برسم سیاست آنها را ازین شرارت باز دارند فقره دیگر اینکه بعضی ادعاها بعضی اشخاص به فدوی مینمایند که از آن قبیل ادعاها فدوی نیز بسیار بدیگران دارد همینکه فدوی ادعا میکند میگویند ادعای چهل ساله صحیح نیست دیگران که ادعا می نمایند قبول می شود مستدعی است که مقرر شود که حکم این دو فقره هم یکسان باشد یا همه قبول یا همه رد امر الاقدس الاعلی مطاع

دستور ناصرالدین شاه در بالای عریضه

امین السلطنه میرزا محمد را بدربار اعظم نزد وزرای عظام ببرید که عرایض خود را عرض نماید قرار کارهایش بدهند و روانه نموده بعد از اتمام کارش برود صحه و امضاء شاه

صورت مجلس وزرای دربار اعظم بخط امین الملک

مطالب مقرب الخاقان میرزا محمد در مجلس دربار اعظم ملاحظه و رسیدگی شد. در خصوص گفتگوئی که با میرزا احمد دارد به پانصد تومان بگیرد قطع شده باید میرزا احمد بدهد و مشارالیه را ساکت نماید پسرهای او را به ولایات بفرستند که در نزد حکام مشغول خدمت باشند اگر در کشیکخانه هم جا باشد عیب ندارد جناب جلالتماآب علاء الدوله معین نمایند برای آنها خدمتی پیدا کند

خود میرزا محمد هم حکم صادر شده نزد نواب والا مؤیدالدوله بروند که در کرمانشاهان یا کردستان بهر خدمتی که صلاح میدانند مشغول بدارند. در باب مطالبات ایشان هم در دیوان

Handwritten document in Persian script, featuring a large central watermark of a floral emblem. The text is densely packed and includes several lines of red ink, likely indicating official signatures or seals. The document appears to be a historical record or administrative document related to the Darul-Shura al-Kubra.

عدلیه معمول است بدعاوی قدیمه رسیدگی نمی نمایند. بادعای قدیم مردم هم درباره ایشان اعتنا نکردند... تمام

توضیح:

میرزا ابوالقاسم قائم مقام فراهانی متولد سنه ۱۱۹۳ هجری قمری، صدراعظم محمد شاه قاجار، وزیر کاردان و توانا بود. در نگارش، نثری استادانه و شیوا داشت. منشآت او با خطی خوب فصل تازه ای در مکتب منشیانه دیوانی ایجاد نمود. صدارتش در حدود هشت ماه به طول انجامید. بر اثر توطئه چینی و تحریکات دامنه دار عوامل داخلی و خارجی علیه او، عاقبت به دستور محمد شاه ابتدا محبوس گردید و پس از شش روز خفه اش کردند (صفر ۱۲۵۱ هجری قمری). از آن مرحوم سه پسر به اسامی میرزا محمد و میرزا علی و ابوالحسن باقی مانده بود. نویسنده عریضه به ناصرالدین شاه میرزا محمد پسر بزرگ ابوالقاسم قائم مقام است.

اشاره میرزا محمد قائم مقام به خدمت خود (هنگام تهیه عساکر منصوره و روانه داشتن آن از آذربایجان) مرجوع به سال ۱۲۶۴ هجری قمری است، که پس از فوت محمد شاه برای حرکت دادن ناصرالدین میرزا ولیعهد از تبریز به تهران، اقدام به جمع آوری پول برای تدارک وسائل سفر و عساکر شده بود.

شاهنشاه مبرور: محمد شاه قاجار.

نایب السلطنه: عباس میرزا ولیعهد نایب السلطنه.

میرزاتقی خان وزیر نظام در زمان مسافرت تبریز به پایتخت قبل از ورود به تهران از جانب شاه به سمت امیرنظام منصوب گردید.

اخوان: مقصود برادران میرزا محمد: میرزا علی و ابوالحسن است.

سید احمد: میرزا احمد مستوفی حاکم ولایت عراق در سنه ۱۲۸۷ هجری قمری.

جناب مشیرالدوله: میرزا حسین خان مشیرالدوله وزیر عدلیه (۱۲۷۸-۱۲۸۸ هجری قمری).

معمدالدوله: فرهاد میرزا معتمدالدوله که در غیاب ناصرالدین شاه در سفر اول فرنگستان (۱۲۹۰ هجری قمری) در حدود پنج ماه مأمور رسیدگی به امور کشور شده بود.

میرزا بزرگ: میرزا عیسی فراهانی (قائم مقام اول) مشهور به میرزا بزرگ، دولتمردی لایق و با کفایت بود و پیشکاری عباس میرزا نایب السلطنه را به عهده داشت. این وزیر وطن دوست اقداماتش در همکاری با عباس میرزا در جهت اعتلا و ترقی کشور ایران بوده است.

علاء الدوله: محمد رحیم خان علاء الدوله.

مؤید الدوله: ابوالفتح میرزا مؤید الدوله.

سند حاضر یکی از با ارزش ترین اسناد مجموعه دارالشورای کبری ست که نزد امین السلطنه باقی مانده است. این مدرک برای بازشناسی شرح حال میرزا محمد فرزند بزرگ ابوالقاسم قائم مقام و برادران او قابل توجه است. به غیر از چند مورد، سایر نکات مهم و جالب عریضه مغایر با مطالب درج شده در کتاب شرح حال رجال و نوشته های دیگر تاریخ نویسان



است.

سند شماره ۱۴

دستور شاه به خط آجودان مخصوص

مهر ناصرالدین شاه

امین السلطنه در باب حکومت بلده نور که فرمایش شده بود از اعیان و بزرگان آنجا تحقیق شود، از قراریکه بعرض رسید استدعا کرده بودند که میرزا علی خان حاکم و حاجی اسمعیل نایب الحکومه باشد فردا میرزا علی خان و حاجی اسمعیل را در دربار اعظم نزد جناب آقا حاضر کنید که قرار امر حکومت آنجا را داده حاجی اسمعیل را معجلاً روانه بلده نور نمایند و میرزا علی خان را هم بعد از چند روز دیگر بفرستند یک ثوب جبه کرمانی هم برسم خلعت از صندوق خانه گرفته بحاجی اسمعیل بدهد و بجناب آقا بگوئید یکصد تومان

این سند در باب حکومت بلده نور در فرستادن

از جناب ناصرالدین شاه
 کما در روز دوشنبه در این
 رضای کتبه در دربار
 امین السلطنه در این
 فرستاده سعادت
 در روز دوشنبه در این

وزیران این طبعی است از فراد که برین سید استند دارد. کتبه در فرستادن
 عالم دربار اسمعیل نایب الحکومه باشد فردا از اعیان و بزرگان آنجا
 دربار اعظم نزد جناب آقا حاضر کنید که قرار امر حکومت آنجا را داده حاجی
 اسمعیل را معجلاً روانه بلده نور نمایند و میرزا علی خان را هم بعد از چند روز
 دیگر بفرستند یک ثوب جبه کرمانی هم برسم خلعت از صندوق خانه گرفته بحاجی
 اسمعیل بدهد و بجناب آقا بگوئید یکصد تومان

روانه سازد و یادگار

موجب سابق او را برقرار نمایند و حاجی اسمعیل بعد از ورود خود به بلده خواجه وندهائیکه مأمور گرفتن رضاقلی بوده اند روانه خانه های خود نماید و التزامی هم بدهد که رضاقلی را بزودی دستگیر کرده بدارالخلافة روانه سازد. زیاده فرمایش نیست

در حاشیه دست راست دستخط

مهر ناصرالدین شاه

اگر چنانچه حاجی اسماعیل کوتاهی و اهمال در گرفتن رضاقلی بکند و بعد از یکماه او را دستگیر نه نماید و بطهران نفرستد مقصر است و مورد مواخذه میشود

توضیح:

آجودان مخصوص: آقا رضا = آجودان مخصوص = خازن صرف جیب = اقبال السلطنه.

نور: از شهرهای مازندران.

جناب آقا: میرزا یوسف مستوفی المعالک = وزیر داخله = رئیس دارالشورای کبری (دربار اعظم).

سند شماره ۱۵

امین السلطان فرمایش هما یون اینست که امروز مجلس دارالشوری بود کی ها بودند تفصیل تازه چه بود تفصیل را بعرض برسان
رضا

توضیح:

رضا: آقا رضا عکاس باشی = پیشخدمت مخصوص = خازن صرف جیب = آجودان مخصوص = اقبال

السلطنه

آمین السلطنه فرمایش ما برین است که امروز

مجلس دارالشوری بود که همه بودند تازه

به سو همه عرض برسان

رضا

توضیح نویسنده «اسناد منحصر به فرد منتشر نشده...»

آقای دکتر جلال متینی

از بنده خواسته بودید که به سؤال چند تن از خوانندگان پژوهشگر و محقق اسناد تاریخی درباره منبع و مأخذ «اسناد منحصر به فرد منتشر نشده درباره دارالشورای کبری (مجلس دربار اعظم)» سال ۱۲۹۰ هـ. ق. جواب داده شود. در طرح این پرسش باید گفت که مجله ایران شناسی در پیشبرد رسالت و حفظ ویژگیهای خود از جمله ویژگی پژوهش در تاریخ با روش محققانه گامهایی به سوی هدف ارجمند انتشار اسناد تاریخی ایران با اقبال برداشته است. اینک سوابق این مدارک به شرح کوتاه زیر می باشد:

قسمت اعظم مجموعه اسناد محمد علی خان امین السلطنه مربوط به دوران ناصری از سالهای ۱۲۸۸-۱۳۱۳ هـ. ق. است و بخش کمتری از آن به عهد مظفری و تعدادی به زمان سلطنت محمد علی شاه و احمدشاه تعلق دارد. علاوه بر اینها در مجموعه خانوادگی، اسناد پدر و جد امین السلطنه در رابطه با محمد شاه قاجار دیده می شود. این مدارک تا سال وفات (۱۳۴۳ هـ. ق.) در اختیار مشارالیه بوده است، سپس در نزد همسر دوم ایشان خانم اقدس السلطنه دختر مظفرالدین شاه باقی می ماند. بعد از فوت آن مرحومه، دختری این اسناد را به پسر ششم و کوچک امین السلطنه، محمد باقر امین (معاون اول دادستان کل دیوان عالی کشور و مستشار آن دیوان)، تحویل می دهد. با درگذشت محمد باقر امین این اسناد در دست یکی از بستگان سببی وی قرار می گیرد. آنها بعداً این مجموعه اسناد خانوادگی را در اختیار وراثت خاندان امین السلطنه می گذارند. نویسنده این سطور در تنظیم و ارائه اسناد به پنج نکته اساسی: (مرجع، مشخصات ظاهری، موضوع، تهیه کننده یا آمرسند، تاریخ نگارش و صدور سند)* توجه داشته است. در مورد منبع، چون مدارک متعلق به امین السلطنه بوده به همان نام نامیده شده است. اسم دارنده اسناد در حال حاضر بر پایه قرار قبلی بعد از انتشار کلیه مدارک در مجلات یا کتاب بدون تردید اعلان خواهد شد. به علاوه گفتنی است که ناظر این مجموعه اسناد قریب هشت سال پیش به این مدارک به صورت اوراقی پراکنده دست یافت. با این که با «حبس اسناد» و دورنگهداشتن آنها از دسترسی اهل تحقیق موافق نبودم، ولی با اشتیاقی که به خواندن و فهم اسناد داشتم واجب بود زبان سند (زبان تاریخ) آن دوره را بیاموزم و با آشنایی و آگاهی از محتوای متون و کم و کیف آنها باخبر شوم، این شناخت در گرو خواندن و بررسی کلیه کتب تاریخ قاجاریه و نگارش همه شرح حال نویسان ناصری و مظفری و نیز اسناد منتشر شده تاکنون در کتابها و مجلات بود. عمده ترین کار، لیکن تعیین تاریخ صدور برای اسناد بی تاریخ از روی یقین یا قراین بود

که بدون آن هیچ معیاری برای گروه بندی و ترتیب اسناد وجود نداشت. در استنساخ، آشنایی با رسم الخط و خطوط شاهان قاجاریه و صدراعظمها و رجال و متن مهر آنها لازم بود. ناگفته نماند که با مذاقه در جمیع انتشارات مذکور متوجه شدم که نباید در قید شهرتهای رایج و القائنات این و آن بود. در اجرای این مقصود، تطبیق جامع نشریات و مقابله اسناد انجام شد، که حاصل آن تصحیح اغلب نظریات تحلیلی و بازشناسی در شرح اسناد و مغایرت آنها می باشد. در این جا مناسبت دارد...

محمد رضا تهرانی

* دکتر قائم مقامی، جهانگیر، مقدمه ای بر شناخت اسناد تاریخی، تهران ۱۳۵۰، ص ۳۳۳.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی